در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت»

مستندسازان مشهدی درخشیدند

محسن اسلام‌زاده

سارا طالبیان

محمد عوض‌زاده و هاشم مسعودی

گروه هنر

خبر روز

نوزدهمین جشنواره بین المللی «سینماحقیقت» شامگاه روز ۲۵ آذرماه با معرفی برگزیدگان درحالی به کارش پایان داد که مستندسازان مشهدی موفق شدند برخی از جوایز این رویداد را از آن خود کنند.

به‌گزارش شهرآرا، محسن اسلام‌زاده، فیلم‌ساز مطرح مشهدی، به همراه محمدمهدی حبیبی موفق شد جایزه ویژه هیئت داوران را برای فیلم «شاخه‌ای روی آب» در بخش «ایران» از آن خود کند. اسلام‌زاده پس از دریافت تندیس خود گفت: مستندسازان در زمان جنگ دوازده روزه با هر عقیده‌ای دوربین در دست گرفتند. این مستندسازان قابل احترام هستند و باید بودجه ساخت مستند بیشتر شود. مستند «شاخه‌ای روی آب» روایتی از زندگی شهید محمدمهدی طهرانچی است که تلاش می‌کند با استفاده از نمایش برخی تصاویر برای نخستین بار، از زاویه‌ای متفاوت، تصویری متفاوت را از این شهید ارائه کند. در بخش ملی جشنواره نیز تندیس جشنواره و دیپلم افتخار و جایزه ویژه هیئت داوران به سارا طالبیان برای کارگردانی فیلم «رؤیای ناتمام» اهدا شد. همچنین از او مستند کوتاه «برای کیان» در بخش «ایران» جشنواره امسال اکران شد که نگاهی متفاوت به جنگ دوازده روزه داشت. این مستندساز مشهدی در جشنواره «سینماحقیقت» سال گذشته هم توانست تندیس بهترین کارگردانی مستند کوتاه را دریافت کند.

همچنین نشان فیروزه بهترین فیلم سینماحقیقت به مهدی عوض زاده، مجتبی احسانی و هاشم مسعودی، تهیه‌کنندگان فیلم «برای دخترم»، اهدا شد. مهدی عوض زاده، تهیه‌کننده و کارگردان مشهدی، درباره موضوع مستندش به شهرآرا گفته است: «این فیلم درباره دختری دانش‌آموز از یک روستای مرزی کردنشین است که در آستانه ترک تحصیل قرار داشت و پدرش اجازه ادامه تحصیل را نمی‌داد. او دانش‌آموزی مستعد بود، به مدرسه علاقه داشت و رؤیای معلم شدن در سر می‌پروراند. این دختر را از حدود دوازده سالگی تا نزدیک بیست سالگی دنبال کردم. فیلم در واقع روایت هشت سال از زندگی اوست؛ از کودکی تا نوجوانی و ورود به جوانی، با تمام فراز و نشیب هایی که مسیر تحصیل برایش داشت.»

گفت‌وگو با استاد سعید جلالیان حسینی، نوازنده و مدرس پیشکسوت مشهدی که موسیقی بخش جدایی ناپذیر زندگی او بوده است

۵ دهه عشق به هنر و ترویج موسیقی ایرانی

طنین همتی

گفت‌وگوی روز

سعید جلالیان حسینی، متولد آبان ۱۳۳۸ در مشهد، از چهره های پیشکسوت و شناخته شده موسیقی خراسان و از نوازندگان برجسته ساز سنتور است. او از ۹ سالگی یادگیری موسیقی را نزد استاد مرحوم ظهیرالدینی آغاز کرد و در ادامه فراگیری نوازندگی سنتور را نزد استاد برهانی پی گرفت. جلالیان از سال ۱۳۵۵ در اداره فرهنگ و هنر سابق به تدریس سنتور پرداخت و هم زمان در ارکستر استاد ظهیرالدینی نوازندگی می کرد. فعالیت حرفه ای او در رادیو و تلویزیون ملی ایران با اجرای زنده و آهنگ سازی آغاز شد و پس از انقلاب نیز در قالب گروه موسیقی «ترنم» به سرپرستی و آهنگ سازی خودش در افتتاح شبکه استانی خراسان برنامه زنده اجرا کرد. آثار متعددی از ساخته های او در سال های پس از انقلاب از رسانه ملی پخش شده است. این نوازنده و مدرس باسابقه در گفت‌وگویی با خبرنگار شهرآرا از مسیر هنری خود، نقش خانواده در پرورش استعداد، وضعیت موسیقی ایرانی و آموزش های امروزی سخن گفت.

از کودکی با صدای ساز خو گرفتم

جلالیان درباره زندگی و گذشته خود می‌گوید: پدرم نقاش و خطاط بود و در همان محیط هنری بزرگ شدم. خیلی از دوستان پدرم هم موسیقی دان بودند. وقتی در خانه تمرین نقاشی می‌کرد، گاه آواز هم می خواند. من از همان کودکی با صدای ساز خو گرفتم. حدود شش یا هفت ساله بودم که برای اولین بار سنتور را در دست گرفتم. وقتی یکی از استادان قدیمی مشهد به پدرم می خواست سنتور یاد بدهد، من از سر کنجکاوی مضراب را گرفتم و زدم. او گفت این کودک استعداد زیادی دارد، بگذارید خودش ادامه دهد. از همان جا مسیرم در موسیقی شکل گرفت.

از ارکستر تا رادیو و تلویزیون

او از نخستین حضورهای رسمی اش چنین یاد می کند: حدود سال ۱۳۵۵ در فرهنگ و هنر تدریس می‌کردم و هم زمان نوازنده ارکستر استاد ظهیرالدینی بودم. بعد هم وارد رادیو و تلویزیون شدم و برنامه هایی را به صورت زنده اجرا می‌کردم. در افتتاح شبکه استانی خراسان هم با گروه موسیقی «ترنم» که سرپرستی آن با من بود اجرای زنده داشتیم.

«موسیقی» فصل جدایی ناپذیر زندگی جلالیان

او که امروز ۶۷ سال دارد و بیش از پنج دهه است به آموزش موسیقی می پردازد، می‌گوید: من بازنشسته ارتش هستم و جانباز دوران دفاع مقدس. با وجود مشغله نظامی، هیچ وقت از هنر و آموزش موسیقی جدا نشدم. هنر برای من غذای روح است؛ همان طور که جسم به تغذیه نیاز دارد، روح هم با موسیقی زنده می ماند.

نقش خانواده در پرورش هنرمند

جلالیان درباره نقش محیط خانوادگی در رشد هنری می‌گوید: اگر فضای خانواده مهیای هنر باشد، تأثیر زیادی بر رشد استعداد دارد. وقتی نزدیکان فرد هم هنرمند باشند، مسیر یادگیری سریع تر و عمیق تر می شود. همین حمایت خانوادگی باعث شد من از کودکی با موسیقی مأنوس شوم. این نوازنده و مدرس تأکید می‌کند: یادگیری هر ساز باید بر پایه اصول علمی و تکنیک صحیح باشد. آموزش غیراصولی فقط زمان و انگیزه هنرجو را هدر می دهد. امروز مواد آموزشی و مدارک دانشگاهی خوبی وجود دارد، اما باید با روش های درست تدریس شود و معلم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

موسیقی ایرانی در برابر فضای مجازی

جلالیان در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر فضای مجازی بر موسیقی ایرانی، می گوید: با ورود شبکه های اجتماعی و دسترسی آسان به موسیقی جهانی، بخشی از مخاطبان موسیقی ایرانی کم شده اند. اما اگر بتوانیم ریشه های ردیف و ریتم ایرانی را با فرم های جدید آمیخته کنیم، موسیقی سنتی همچنان زنده می ماند. باید اصالت را حفظ کنیم و در عین حال با روزگار هماهنگ شویم. او که سال ها در آموزشگاه های مختلف فعالیت دارد، بر اهمیت تربیت اصولی نسل نوجوان تأکید دارد و می‌گوید: هرچه آموزش از سنین پایین تر آغاز شود، پایه هنری محکم تر خواهد بود. اکنون علاقه به موسیقی در میان جوانان زیاد است، اما باید مسیر درست را انتخاب کنند، معلم کارآزموده داشته باشند و محیط آموزشی شان غنی باشد. متأسفانه برخی آموزشگاه ها فقط جنبه تجاری دارند و از برنامه ریزی آموزشی غافل هستند، در حالی که مؤسسات پویا، کلاس های گروهی و اجرایی برای هنرجویان فراهم می کنند تا تجربه عملی تری به دست آورند. این هنرمند با سابقه درباره هنر موسیقی بیان می‌کند: موسیقی هیچ ربطی به سیاست و مسائل روز ندارد. موسیقی، زبان روح و نیاز هر انسان است؛ چیزی که باید شنیده شود، تجربه شود و از دل برآید تا بر دل بنشیند.

راز پیشرفت در موسیقی، استعداد ذاتی

جلالیان در پاسخ به توصیه های خود به نسل جوان و خانواده ها، بیان کرد: موسیقی نباید صرفا به عنوان یک فعالیت جانبی یا درسی در کنار سایر دروس در نظر گرفته شود. او مسیر موسیقی را نیازمند علاقه و استعداد هم زمان دانست و اهمیت نقش معلم و محیط را در شناسایی این استعدادها برجسته کرد. او در این باره گفت: بعضی ها خطشان خوب است بدون اینکه کلاس بروند... در موسیقی به این استعداد «گوشه» می‌گویند. وقتی این استعداد باشد، تأثیر زیادی بر پیشرفت دارد. او از والدین خواست تا بر محیط آموزش نظارت داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که فرزندشان مسیر درست را طی می‌کند، همان طور که در مدرسه برای درس های دیگر تمرین می‌کند.

تأثیر شگرف موسیقی بر روح هنرمند

این نوازنده در توصیف عمیقی از تجربه درونی خود، نوازندگی را نیاز روح انسان دانست و گفت: احساس می‌کنم «روح انسان، به قول قدیمی ها، می‌رود روی آسمان ها و کهکشان ها پرواز می‌کند.» به عقیده او، هنر باعث می شود هنرمند به ظرافت ها و عظمت های زیبایی های خداوند در طبیعت واقف تر شود.

ملاک های کشف استعداد: گوش موسیقی و ریتم

او در تشریح روش های تشخیص استعداد در هنرجویان، به دو شاخصه اصلی اشاره کرد: «گوش موسیقایی» و «حس ریتم». به گفته این هنرمند توانایی تقلید دقیق فرکانس ها و ادای ملودی های شنیده شده، حتی به شکل ساده، نشان دهنده استعداد در گوش است و توانایی حفظ فواصل منظم در شمارش و هماهنگی با ضرب آهنگ، مانند شمارش منظم بدون خطا، یکی از نشانه های قوی استعداد ریتمیک است.

دغدغه مهجور ماندن موسیقی ایرانی و اهمیت آموزش اصولی

استاد جلالیان نگرانی خود را درباره وضعیت موسیقی ایرانی ابراز کرد و گفت: موسیقی ایرانی مهجور واقع شده است. در رسانه های عمومی، آلات موسیقی سنتی به اندازه کافی نمایش داده نمی شوند و این امر مانع آشنایی نسل جدید با سازهای سنتی مانند سنتور می شود. این هنرمند همچنین درباره زمان آغاز یادگیری موسیقی توصیه کرد: اگرچه سنین بسیار پایین ممکن است برای یادگیری اصولی مناسب نباشد و بهتر است کودک کمی با مفاهیم پایه مانند اعداد و کسرهای موسیقی (مثل دو چهارم و سه چهارم) آشنا شود، اما نباید آموزش را به تأخیر انداخت، زیرا فشار زیاد بر مغز کودک می تواند نتیجه عکس دهد.

نگارستان

ششمین دوره نمایشگاه خوش‌نویسی «محفل عشق» با حضور ۵۳ هنرمند مشهدی گشایش یافت

روایتی از عشق، تمرین و سال ها ممارست هنری

عکس: شیرین قائمی | شهرآرا

همتی

نگارخانه رضوان این روزها میزبان ششمین نمایشگاه خوش نویسی «محفل عشق» مربوط به آثار گروهی از هنرجویان دوره فوق ممتازی است که سال هاست زیرنظر مریم سادات موسوی مشق می‌کنند. رویدادی که حاصل سال ها تمرین، ممارست و عشق به خط نستعلیق است و جلوه ای از مسیر حرفه‌ای هنرجویان این هنر اصیل ایرانی را به نمایش گذاشته است.

مریم موسوی، مدرس خوش نویسی و دبیر این نمایشگاه، با اشاره به روند برگزاری این رویداد هنری می‌گوید: این نمایشگاه ششمین دوره برگزاری خود را پشت سر می‌گذارد و در این دوره، ۵۳ هنرمند و هنرجو با ۷۷ اثر در این نمایشگاه مشارکت کرده‌اند. آثاری که هرکدام حاصل سال ها تمرین، پیگیری و پشتکار هنرمندان است.

وی با توضیح درباره سطح هنری شرکت‌کنندگان می افزاید: هنرجویانی که در این نمایشگاه آثارشان ارائه شده، همگی از دوره های بالای انجمن خوش نویسان هستند. همان طور که می دانید، دوره های آموزشی انجمن شامل مقدماتی، متوسط، خوش، عالی، ممتاز و فوق ممتاز است. هنرجویان حاضر در این نمایشگاه، اغلب دوره فوق ممتاز را به طور کامل گذرانده اند و برخی از آن ها در مسیر آمادگی برای آزمون استادی قرار دارند. موسوی ادامه می دهد: روند رسیدن به مرحله استادی برای هر هنرجو کاملا به تمرین، استعداد و پشتکار شخصی او بستگی دارد. هنرجویی داریم که یک سال دوره ممتاز را گذرانده و دو سال فوق ممتاز کار کرده است و بعد از سه سال برای آزمون استادی اقدام می‌کند. از طرف دیگر، هنرمندانی داریم که ۱۰ تا ۱۲ سال است خوش نویسی می‌کنند، اما هنوز در مرحله فوق ممتاز هستند. این مسیر، یک راه شخصی و وابسته به میزان ممارست هر فرد است.

دبیر نمایشگاه درباره ویژگی های آثار ارائه شده توضیح می دهد: همه آثار این نمایشگاه در قالب خط نستعلیق اجرا شده اند؛ گاهی به شکل قطعه نویسی با قلم های دانگ بالاتر، گاهی به صورت چلیپا؛ یعنی چهار خطی که معنای شعر را تفسیر می‌کند و گاهی هم به شکل کتابت با قلم های بسیار ظریف، زیر یک میل. فرم ها متنوع اند، اما همه در چارچوب نستعلیق شکل گرفته اند. او با اشاره به جنبه های فنی کارها می‌گوید: آثار از نظر ترکیب بندی، تصحیح و تذهیب به صورت مکمل کار شده اند. انتخاب اشعار نیز بر عهده خود هنرجویان بوده، اما همگی با من مشورت می‌کردند. همیشه تأکید من این است شعری انتخاب شود که به مخاطب انرژی بدهد؛ اثری که در خانه نصب می شود، وقتی صبح چشم مخاطب به آن می افتد، حس خوب و آرامش منتقل کند، نه اینکه بار غم و خمودگی داشته باشد. موسوی ادامه می دهد: در انتخاب کلمات، ترکیب بندی سطرها و فرم قطعه نویسی با هنرجویان صحبت می‌کردیم. آن ها پیشنهاد می دادند و اگر فرم مناسب بود تأیید می شد یا اصلاحاتی انجام می دادیم. از صفر تا مرحله نهایی قاب بندی، همه جزئیات نمایشگاه با نظارت من و همکاری مستقیم خود هنرجویان انجام شده است. حتی انتخاب قاب ها، یکدست بودن شکل آثار و هماهنگی کلی نمایشگاه نیز با پیشنهاد و برنامه ریزی من بوده، اما واقعا باید بگویم که بچه ها همکاری فوق العاده ای داشتند.

این مدرس خوش نویسی درباره قیمت آثار و نگاه عمومی به خوش نویسی نیز می‌گوید: متأسفانه استقبال از خرید اثر خوش نویسی در مشهد نسبت به شهرهایی مثل تهران کمتر است. در حالی که همین کارها هزینه های زیادی دارند؛ از تذهیب و قاب گرفته تا مواد مصرفی که امروز قیمت آن ها به دو، سه یا حتی پنج میلیون تومان می رسد. بعضی خریداران تصور می‌کنند این فقط یک خط نوشته شده است، در حالی که ممکن است نوشتن آن خط ۱۰ دقیقه یا یک ساعت زمان برده باشد، اما پشت آن ۳۵ سال تجربه و تمرین قرار دارد. هرکدام از این هنرجویان هم حداقل ۱۰ سال زحمت کشیده اند تا به این سطح رسیده اند. او در توضیح سیاست کاهش تعداد آثار در این دوره بیان می‌کند: امسال تصمیم گرفتم تعداد آثار هر هنرمند کمتر باشد تا فضا بازتر شود و هر اثر بهتر دیده شود. سال های گذشته حتی ۱۰۰ اثر روی دیوار داشتیم، اما امسال از هر هنرمند یک تا نهایت سه اثر ارائه شده است؛ فقط درباره یکی از هنرجویان که کار کتابت بسیار ظریف انجام داده است، اجازه دادم پنج اثر به نمایش بگذارد. موسوی همچنین به انتخاب فضای نمایشگاهی اشاره می‌کند و می‌گوید: اکنون در مشهد تنها فضایی که هم از نظر گنجایش و هم شخصیت نگارخانه ای امکان برگزاری چنین نمایشگاهی را دارد، نگارخانه رضوانی است. نورپردازی، چینش و سطح کیفی این فضا نسبت به بسیاری از نگارخانه های دیگر بالاتر است و مخاطب ارتباط بهتری با آثار برقرار می‌کند.

او در پایان با اشاره به تلاش برای جذب مخاطب عمومی می افزاید: امسال سعی کردیم دایره مخاطبان را از صرفا خوش نویسان و هنرمندان فراتر ببریم. برای همین، دعوت نامه هایی برای سازمان ها، ادارات، شهرداری و نهادهای مختلف فرستادیم تا افراد شاغل در حوزه های مختلف هم از نمایشگاه بازدید کنند. امیدواریم سال های آینده مخاطبان عمومی بیشتری جذب این هنر شوند.

نگاهی به مستند «برای دخترم» به بهانه کسب جایزه نشان فیروزه بهترین فیلم در جشنواره «سینما حقیقت»

قصه شخصی یک زخم عمیق

محمد عنبرسوز

نقد روز

مستند «برای دخترم» از آن دست آثاری است که بی هیاهو آغاز می شود، اما آرام آرام مخاطب را به دل مسئله ای می برد که ریشه دار، گسترده و عمیق است. دوربین این فیلم، صرفا کنار سوژه می ایستد و اجازه می دهد زندگی خودش روایتگر باشد. همین انتخاب ساده، اما جسورانه، نخستین امتیاز جدی فیلم است: اعتماد به واقعیت، بی دستکاری و بی اغراق.

این مستند که در نوزدهمین جشنواره سینمای مستند ایران به نمایش درآمد، نشان فیروزه بهترین فیلم جشنواره را از آن خود کرد.

تهیه‌کنندگان اثر، مهدی عوض زاده، مجتبی احسانی و هاشم مسعودی هستند؛ فیلم در اکران های عمومی نیز با استقبال مخاطبان روبه رو شد.

تمرکز کامل بر سوژه منفرد

«برای دخترم»، بیش از آنکه بخواهد درباره موضوع «ترک تحصیل اجباری» حرف بزند، درباره «زندگی» است؛ زندگی دختری که مسیرش، به جای آنکه در کلاس درس ادامه پیدا کند، ناخواسته وارد جاده ای دیگر می شود. مستندساز از همان ابتدا تصمیم گرفته است به جای پرداختن به کلیات، روی یک تجربه منفرد تمرکز کند؛ تصمیمی که به فیلم امکان

می دهد به جای پراکندگی، عمق پیدا کند.

یکی از برجسته ترین ویژگی های «برای دخترم»، تمرکز سینمایی اش بر یک سوژه است.

همراهی چندساله با یک شخصیت، آن هم در قالب مستندی اجتماعی، کاری پرریسک و فرساینده است؛ اما نتیجه این پایداری، لحظه هایی است تکان دهنده و نفس‌گیر؛ لحظاتی که نه با طراحی قبلی، بلکه در امتداد زمان و با صبوری شکل گرفته اند.

فیلم ساز به وضوح آگاه است که مستندش قرار نیست با انبوهی از لحظات دراماتیک پیش برود؛ بنابراین، انرژی خود را صرف رسیدن به چند

نقطه کلیدی کرده است؛ همان دو سه موقعیتی که در آن، فاصله میان دوربین و سوژه به حداقل می رسد و مخاطب حس می‌کند شاهد چیزی فراتر از تصویر است.

زبان روایت

غیرفارسی بودن زبان مستند «برای دخترم»، یکی از وجوه دوگانه اثر است. از یک سو، این ویژگی گاهی مانع همراهی کامل مخاطب فارسی زبان می شود و او ناچار می‌کند بیش از تصویر، به زیرنویس توجه کند؛ امری که می تواند از شدت هم ذات پنداری بکاهد. اما از سوی دیگر، همین فاصله زبانی، نوعی اصالت و صداقت را هم به فیلم می بخشد. زبان محلی، به فیلم هویتی مستقل می دهد و اجازه نمی دهد روایت، رنگ بازسازی یا تصنع به خود بگیرد. در واقع، مخاطب می داند با جهانی سر و کار دارد که قرار نیست برای او ساده سازی شود. در این معنا، زبان نه فقط ابزار ارتباط، بلکه بخشی از واقعیت زیسته سوژه است؛ واقعیتی که نمی توان و نباید آن را حذف کرد.

احساسات مهارنشدنی

«برای دخترم»، به ویژه در بیست دقیقه آخر، مستندی عمیق و برانگیزنده احساسات انسانی است. در طول این روایت، گاهی به نظر می رسد که مایه های عاطفی فیلم از کنترل فیلم ساز خارج می شود و شدت تأثر، بر روایت غلبه می‌کند. با این حال، این مسئله نه حاصل تلاش آگاهانه برای تحریک احساسات، بلکه اقتضای خود سوژه است. به عبارت دیگر، مستندساز اجازه می دهد که احساسات، به طبیعی ترین شکل ممکن، راه خودشان را بروند و از دخالت راوی مبرا بمانند. هنر فیلم در این است که این احساسات را «تحمیل» نمی‌کند؛ بلکه اجازه می دهد خودشان سر برآورند. اگر گاهی اشک، پیش از تحلیل می آید، این انتخاب مستندساز نیست؛ بلکه واقعیتی است که بی رحمانه تر به شخصیت اصلی روایت هجوم برده است.